**بسم الله الرحمن الرحیم**

**فقه التعامل و التعایش مع مختلف الملل و النحل**

**قاعده تقیه**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

جلسه دویست و بیست و پنجم\_ 20 شهریور 1400

[اشاره به سیر بحث]

کلام در این بود که آیا نبودن راه چاره، در انجام عمل تقیه­ایی معتبر است، یعنی آیا فقط در صورتی باید سراغ عمل تقیه­ایی رفت، که ناچار باشیم و مندوحه­ایی در کار نباشد، یا وجود مندوحه و عدم مندوحه دخالتی ندارد؟

مندوحه را تقسیم کردیم به مندوحۀ طولیه و مندوحۀ عرضیه. مقصود از مندوحۀ طولیه این بود که مثلا من می­توانم در اول وقت با اهل خلاف نماز بخوانم، می­توانم هم پس از یکی دو ساعت، در منزلم بلا تقیه، نماز بخوانم، آیا باید صبر کنم اگر می توانم نمازم را در خانه بخوانم، بلا تقیة این گزینه را انتخاب کنم، یا نه؟

از سیدنا الخوئی قدس الله روحه آموختم، که با توجه به روایاتی که از ائمۀ هدی علیهم السلام وارد شده است، **من الحث و الترغیب فی الصلاة معهم و فی اشاعرهم و مساجدهم و أن الصلاة فی الصف الاول معهم، کالصلاة خلف رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم**، معتبر نیست، عدم مندوحۀ طوله، چون مقتضای اطلاق این روایات نبودن فرق در این ثواب نماز با آن­هاست بین صورت وجود مندوحه و عدم مندوحه اما در مورد مندوحۀ عرضیه مثال این بود که می توانم در صف اول نماز بخوانم، با سجدۀ بر فرش، می­توانم با آن­ها نماز بخوانم در صفوف بعدی با سجدۀ ما یصح السجود علیه.

در این جا فقد ذهب شیخنا الانصاری، و المحقق الهمدانی، الی اعتبار عدم المندوحة حال التقیة و الامتثال. وقتی در صف اول نماز بخوانم و سجدۀ بر فرش کنم که راه چاره­ایی نباشد، دو وجه از وجوه استدلال این حضرات بر این مطلب بیان شد، و پاسخ آن داده شد.

[وجه سوم استدلال شیخ انصاری و محقق همدانی]

وجه سوم، ما رواه ابراهیم بن شیبه، در وسائل الشیعة، ج 8، ص 363 ابواب صلاة جماعة، باب 33، حدیث دوم است:

عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ شَيْبَةَ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي علیه السلام أَسْأَلُهُ عَنِ الصَّلَاةِ خَلْفَ مَنْ يَتَوَلَّى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام- وَ هُوَ يَرَى الْمَسْحَ عَلَى الْخُفَّيْنِ درست است که دوست­دار امیرا لمؤمنین است ولی در عین حال کبعض العامة جائر می­داند مسح علی الخفین را أَوْ خَلْفَ مَنْ يُحَرِّمُ الْمَسْحَ وَ هُوَ يَمْسَحُ کسی که دوست­دار مولا است و از نظر فقهی مسح بر خفین را جایز نمی­داند ولی این کار را انجام می­دهد مثل خیلی از مردم که از نظر اعتقادی امری را جایز نمی دانند، ولی انجام می­دهند، اگر من بخواهم پشت سر چنین دو فرد نمار بخوانم چه کنم؟

فَكَتَبَ علیه السلام إِنْ جَامَعَكَ وَ إِيَّاهُمْ مَوْضِعٌ فَلَمْ تَجِدْ بُدّاً مِنَ الصَّلَاةِ فَأَذِّنْ لِنَفْسِكَ وَ أَقِمْ فَإِنْ سَبَقَكَ إِلَى الْقِرَاءَةِ فَسَبِّحْ.

اگر تو و چنین انسان­هایی در جایی مجتمع بودید، اگر می­توانستی نماز خودت را بخوانی که هیچ اما اگر چاره­ایی نبود، مگر این که با آن­ها همراهی کنی، اذان برای خودت بگو، اقامه برای خودت بخوان، حمد و سوره­ات را خود قرائت کن، اگر حمد و سوره را زودتر از چنین شخصی تمام کردی، او هنوز تمام نکرده، در آن حالت پس از قرائت خودت و پیش از اتمام قرائت او تسبیح بگو.

کسانی که مثل شیخ اعظم رضوان الله تعالی علیه، مثل محقق همدانی اعلی الله مقامه به این روایت تمسک کرده­اند، در حقیقت گفته­اند همین گونه نماز خواندن هم با این تفصیلی که گفتم، همین گونه نماز خواندن هم شرطی دارد، **فلم تجد بُدا من الصلاة**، یعنی تو چاره­ایی از این که نماز را همراه او بخوانی، نداری. پس معیار در نمار با آن ها حتی بدین صورت **فلم تجد بُدّا من الصلاة** است.

من که می­توانم در صفوف بعدی نماز بخوانم، در عین سجدۀ بر ما یصح السجود علیه راه­چاره دارم، نماز در صفوف اول با سجدۀ بر فرش صحیح نیست، این توضیح خود روایت و توضیح تقریب استدلال به آن به نفع شیخ الانصاری و المحقق الهمدانی.

مرحوم محقق خویی سه اشکال به این استدلال دارند:

اشکال اول این که این روایت ضعیف السند است **لأنّ ابراهیم بن أبی شیبة لم یوثق** و برای محقق همدانی سهو القلمی رخ داده است، و ابراهیم بن شیبة را ابراهیم بن هاشم نوشته است و این سهو القلم است. این اشکال سندی.

ثانیا، **أن الروایة أجنبیة عما نحن بصدده**؛ آنچه ما مد نظرمان بود، و محل بحث بود، نماز با عامه است، و آن­گونه که از این روایت استفاده می شود این است که این امام شیعی است لأنّه یتولی امیر المؤمنین علیه السلام. اگر چه در فروع مثل بحث مسح تابع عامه است، می­فرماید هستند و بوده اند قبل کسانی که علی دوست هستند **الّا أنّهم فی الفروع یجروون علی طریقة العامة**، به هر طریق مثلا چون در بین آن­ها زندگی می­کنند، چندان اطلاعی از مسائل فقهی ائمه علیهم السلام ندارند.

**و بما أن الصلاة الرجل کانت محکومة بالبطلان فی مورد الروایة فلذا منع علیه السلام عن الصلاة خلفه** و یک نماز صوری خواندن **فهی خارجة عن محل الکلام**، این روایت ربطی به بحث ما که نماز خلف عامه است ندارد.

اولا سند ضعیف است، ثانیا ربطی به بحث ما ندارد.

**و ثالثا لو تنازلنا عن ذلک و بنینا علی صحة الروایة بحسب السند**، از همۀ آن­چه که گفتیم چشم پوشی کنیم، حتی سند روایت را هم، مناقشه نکنیم، **لدلتنا علی اعتبار عدم المندوحة العرضیة و الطولیة لتخصیصها الجواز بما اذا کان لا بد من الصلاة خلفه، و قد عرفتَ التسالم علی عدم اعتبار عدم المندوحة الطولیة.**

اگر از همۀ دو اشکال فوق هم تنزل کنیم، این روایت چیزی را می گوید که احدی به آن ملتزم نیست و گفتیم خلاف روایات مربوط به نماز مع العامة است. ما عدم المندوحة طولیه را قطعا معتبر نمی­دانیم، ما لابدیت نماز با آن­ها را قطعا معتبر نمی دانیم طولیا و گفتیم حتی در اول وقت با آن­ها می توان نماز خواند، در حالی که این روایت می­گوید **ان جامعک و ایاهم موضع، فلم تجد بدا من الصلاة فاذن لنفسک و اقم.**

این روایت نماز خواندن این گونه با آن­ها را جایز دانسته است، در جایی که لابد من الصلاة معه باشیم و این یعنی اعتبار عدم مندوحۀ عرضیه و طولیه در حالی که هم از نظر روایات و هم نظر فتاوی دیدید که معتبر نیست عدم مندوحۀ طولیه

اینجا ما عرائضی خدمت محقق خویی داریم که ان شاء الله فردا عرض خواهم کرد.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد و اهل بیته الطیبین الطاهرین المعصومین.